



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

# ارتباط نظریه حسابداری انتقادی (CAT) به اثربخشی حسابدهی مالی عمومی در

## اقتصادهای نوپا

### چکیده

در گذشته، محققان حسابدهی مالی به نظریه های عاملیت و مباشرت تکیه داشتند تا پدیده هایی را توضیح دهند که ممکن است مانع از تبادل اطلاعات مالی در فرآیند حسابدهی شوند. این مقاله ارتباط CAT به حسابدهی مالی عمومی موثر را ارزیابی می کند. بخش عمومی در کشورهای در حال توسعه مکانیسم حسابدهی دارد که براساس مدل عاملیت است. مکانیسم حسابدهی در پی فرضیه های نظریه مدیر - عامل بیشتر بر روی نظارت بر رویه ها تمرکز دارد تا عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. این امر می تواند افشای اطلاعات را تقویت کند اما ممکن است منجر شود به اضافه بار در طرف حساب کنندگان و حساب شوندهگان. ادبیات گسترده تاکید دارد که این نظریه چهارچوب مناسبی برای خدمات پیمانکاری نیست که اندازه گیری و مشاهده آنها دشوار است و اینکه این نظریه نمی تواند مسئله ارتباط محیط، رقابت، قابلیت مدیریت و دسترسی یا فقدان مشوق های قوی مخصوصا مالی را برای همراه کردن اقدامات یک عامل هدف قرار دهد. با ظهور تحقیقات در حسابدهی مالی، مسئله بهترین چهارچوب نظری برای اتخاذ، همچنان بی پاسخ مانده است. نظریه حسابداری انتقادی (CAT) در میان پژوهشگران در تلاش خود برای هدف قرار دادن مسائل تعارض اهداف بین مدیر و عامل و دشواری یا ناتوانی مدیر برای تایید کار عامل، مقبولیت گسترده ای پیدا کرده است. ادبیات موجود، تعداد اندکی از مطالعات بر روی ادبیات حسابداری انتقادی را ایجاد کرده است که بر روی کشورهای در حال توسعه تمرکز دارد. این مقاله نظری CAT و ارتباط آن با جوامع در حال توسعه امروزی را بررسی می کند.

کلمات کلیدی: مسئولیت؛ نظریه حسابداری انتقادی (CAT)؛ پاسخگویی مالی عمومی؛ تئوری اصلی فرهنگ؛ حساب

کاربری حسابرس

با توسعه تحقیقات در حسابداری بخش عمومی، مسئله بهترین چهارچوب نظری همچنان باز می ماند. این دیدگاه محققان نظریه حسابداری است که مورد کنونی رضایت بخش نیست، «یعنی واقعیت می تواند بهتر از چیزی باشد که اکنون وجود دارد» و این موضع است که به خوبی تحقیقات حسابداری انتقادی را از تحقیقات عاملیت و مباشرت سنتی جدا می کند. در گذشته محققان حسابداری به نظریه های عاملیت و مباشرت تکیه می کردند تا پدیده هایی را توضیح دهند که ممکن است تبادل اطلاعات مالی در فرآیند حسابداری را مانع شوند. بررسی بافت اجتماعی - سیاسی و نتایج سیستم های حسابداری و حسابداری (AAS) تمرکز اصلی حسابداری انتقادی بوده است.

لمن (2006) در بررسی محدودیت های جاری برای تحقیقات حسابداری می پرسد که «چگونه حسابداری و تحقیقات حسابداری به اشتقاق تصمیم های خوب کمک می کنند؟ - یا اجتناب از تصمیم های بد؟ پاسخ براساس نظرات گری (1992) در کمونیستی گرایی، درگیری و حرکت از حسابداری رویه ای به سمت توسعه حسابداری شخصی تر و ارگانیک است که شامل تماس فردی و روحی نزدیکتر و فاصله کمتر و رسمیت کمتر است که تحقیقات حسابداری سنتی را تعریف می کند.

براساس نظرات رهنما (2010)، تعداد اندکی تحقیقات حسابداری انتقادی وجود دارند که بر روی افریقا تمرکز کرده باشند:

امروزه، سه خروجی تحقیقاتی اصلی وجود دارد؛ حسابداری، سازمان ها و جامعه، مجله ممیزی حسابداری و حسابداری و چشم اندازهای انتقادی از حسابداری مجلات اصلی برای این ژانر از تحقیقات هستند. روی هم رفته این سه مجله از فوریه 2009 تقریباً 2374 مقاله به چاپ رسانده اند که میانگین 100 مقاله در سال می شود، و تنها 24 مقاله به افریقا ارتباط داشته اند. اگرچه، تحلیل دقیق محتوا نشان می دهد که کشورهای پیشرفته سرمایه دار غربی حوزه تجربی برجسته از ادبیات حسابداری انتقادی کنونی را تشکیل می دهند. به عنوان مثال، چشم اندازهای انتقادی حسابداری از

زمان ظهور در سال 1990، 651 مقاله را در 108 مسئله به چاپ رسانده است که از میان آنها تنها 9 مقاله به طور ویژه بر روی مسائل افریقا تمرکز داشته اند.

---

**1. در بخش بعدی نویسندگان مفهوم حسابداری مالی و اهمیت فرهنگ برای حسابداری مالی را مورد بحث قرار می**

**دهند**

---

### **1.1 حسابداری مالی**

حسابداری مالی در مورد مباشرت پول عمومی است؛ یک روش برای تضمین اینکه پول عمومی در طریق مسئولانه و مفید استفاده شده است، این امر در مورد تایید قانونی بودن و مشروع بودن حساب های مالی و همچنین تضمین این مطلب است که ارزش برای پول در استفاده از منابع حاصل شده است. این امر به کنترل و حذف زوائد و فساد است و شامل همخوانی با رویه های قانونی و همچنین استفاده از مکانیسم های ممیزی خارجی است. این امر الزام هر فردی است که منابع، اداره عمومی یا هر جایگاهی را در اختیار دارد که باید مورد اعتماد باشد تا استفاده حقیقی و مورد نظر منابع یا اداره مطبوع را گزارش دهد.

براساس نظرات رابرنوویک (2009)، رابطه حسابداری مالی ایجاد شده بین دولت و شهروندان به طرق مختلف مشکل آفرین استف دلیل این امر امکان ناپذیری عملی بررسی نزدیک و مفصل اقدامات دولت توسط شهروندان است. این شرایط باعث ایجاد نیاز به معرفی سومین بازیگران در رابطه حسابداری شده است - نمایندگان و یا بدنه های حرفه ای که از سوی شهروندان سرپرستی غیرمستقیم بر مجریان ایجاد می کنند.

براساس نظرات ساقال و چاکراپانی (2000) نشان دادن حسابداری مالی چیزی بیش از ایجاد و حفظ حسابداری و سیستم های ممیزی است. این امر نشان دهنده قابلیت فنی مدیران مالی است. حسابداری مالی کامل نیست تا زمانی که در برگیرنده فعالیت های گسترده، نگرش ها و روابط گزارش دهی بین ذینفعان باشد.

### **1.2 فرهنگ**

اهمیت فرهنگ در اثرگذاری بر رفتار و توضیح آن در سیستم های اجتماعی شناخته شده است و در ادبیات مختلف بدان پرداخته شده است. یک فرهنگ سازمانی متشکل است از یک مجموعه از ارزش های مشترک، اهداف، و ایده آل ها، هنجارها برای رفتار، و نمادهای فرهنگی که رفتار افراد را هدایت می کنند. هافستد و همکاران (2010) بیان می کنند که محیطی که درون آن حسابداری استفاده می شود تعیین کننده ساختار سیستم حسابداری ایجاد شده است. فرهنگ یک متغیر مهم است که بر محیط حسابداری کشور اثر می گذارد و تحقیقات در کشورهای مختلف آگاهی از عوامل مهم محیطی را در مدولاسیون حسابداری و سیستم حسابداری یک کشور تقویت می کند. تحقیق گذارد (1997) مدارک تجربی فراهم کرد که وقتی یک سیستم کنترل مالی با فرهنگ سازمانی همخوانی ندارد، با مقاومت روبرو می شود و در نهایت شکست می خورد. او همچنین همبستگی را بین فرهنگ سازمانی و رفتار مربوط به بودجه مشاهده کرد مخصوصا با توجه به مشارکت بودجه ای و سودمندی بودجه برای پشتیبانی از نقش مدیریتی. لیشت و همکاران (2007) نیز نشان دادند که هنجارهای نهادی مربوط به قانون، فساد و حسابداری دموکراتیک قویا با ابعاد فرهنگی ملی همبستگی دارد.

یک چهارچوب مفهومی که نشان دهنده روابطی است که بین حسابداری مالی، فرهنگ و زیرساخت حسابداری وجود دارند، در شکل 1 ارائه شده است.

الف) حسابداری مالی - اثربخشی آن رهبری خوب را تقویت می کند.

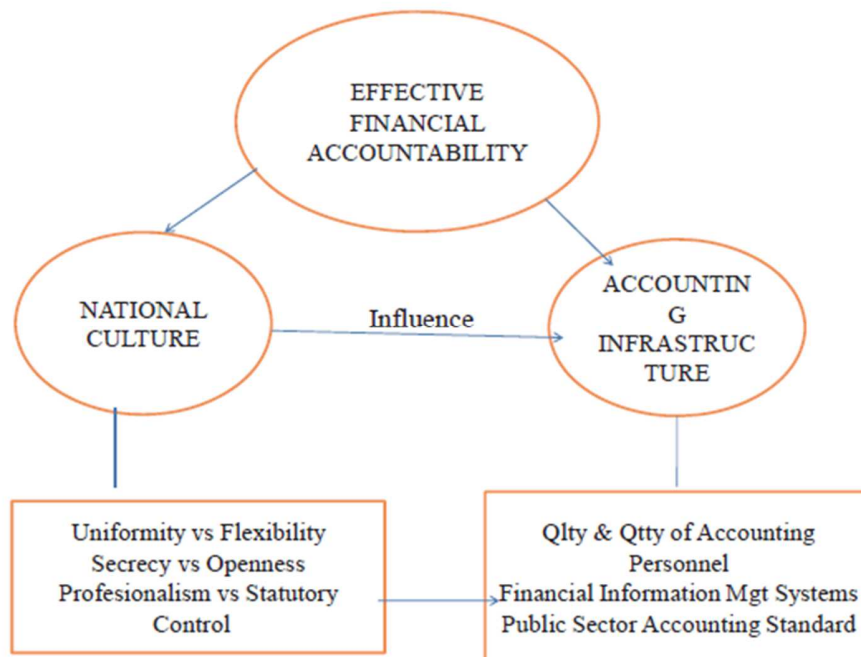
ب) فرهنگ ملی - فرهنگ بازبودن یا رازداری؛ یکدستی یا انعطاف پذیری و حرفه ای گرایی و کنترل قانونی بر اثربخشی حسابداری مالی اثر می گذارد.

ج) زیرساخت حسابداری - ماهیت پرسنل حسابداری، سیستم اطلاعات مدیریت مالی و استاندارد حسابداری بخش عمومی و ممیزی بر اثربخشی حسابداری مالی اثر می گذارد.

اثربخشی حسابداری مالی به اثربخشی فرآیند بودجه، سیستم گزارش دهی مالی و فرآیند ممیزی بستگی دارد. جایی که حسابداری مالی اثربخش وجود دارد و توسط یک فرآیند بودجه موثر و آشکار تعریف می شود، گزارش دهی مالی

دقیق و به موقع و نظارت خارجی موثر، از سوی مسئولان منتخب و مدیران، شفافیت و بازبودن وجود خواهد داشت. از سوی دیگر، اگر فرآیند بودجه ضعیف، گزارش دهی مالی و نظارت خارجی ناکارآمد وجود داشته باشد، فساد و سوءمدیریت ایجاد خواهد شد که منجر می شود به عملکرد ضعیف. براساس نظرات رهنما (2010) حسابداری نقش مهمی در نیجریه و سایر کشورهای در نوپا دارد چون مواد گسترده از فساد و سوءمدیریت مالی در دولت و بخش های خصوصی مشاهده شده است.

در بخش بعدی، نظریه های حسابداری مالی مورد بحث قرار گرفته اند. توسعه نظریه در طی چند دهه نقش مهمی در توسعه چهارچوب حسابداری مالی برای بخش عمومی بازی می کند.



شکل 1: چهارچوب مفهومی از حسابداری مالی، فرهنگ و زیرساخت حسابداری (مدل FACAI)

## 2. چهارچوب نظری

در گذشته، محققان حسابداری مالی بر نظریه های عاملیت و مباشرت تکیه داشتند تا پدیده هایی را توضیح دهند که مانع از تبادل اطلاعات ملی در فرآیند حسابداری می شوند. بخش عمومی نیجریه مانند سایر اقتصادهای نوپا دارای

مکانیسم حسابدگی است که براساس یک مدل عاملیت می باشد. مکانیسم حسابدگی در پی فرضیه های نظریه مدیر - عامل بیشتر تمایل دارد تا بر روی رویه های نظارتی تمرکز کند تا عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. این می تواند افشای اطلاعات را تقویت کند اما ممکن است منجر شود به مسئله اضافه بار اطلاعاتی از سوی حساب کنندگان و حساب شوندهگان.

## 2.1 نظریه مدیر - عامل

نظریه عاملیت تعاملات استراتژیک را بین دو طرف توصیف می کند که مدیر و عامل نام دارد. عامل از سوی مدیر عمل می کند؛ با فرضیه هایی که بازیگران پیشینه کنندگان کاربری ناشی از علاقه فردی هستند که در شرایط منطق محدود عمل می کند و معمولاً از نظر ریسک ترسی متفاوت هستند. این نظریه فرض می کند که دسترسی مدیر به اطلاعات محدود است و اینکه مدیر نمی تواند به صورت کامل و بدون هزینه اقدامات عامل را نظارت کند. نظریه مدیر - عامل به مسئله تعارض اهداف بین مدیر و عامل و دشواری یا ناتوانی مدیر برای تایید کاری که عامل می کند، توجه دارد. رابطه بین بازیگر (حساب کننده) و میدان بازی (حساب شونده) اغلب به عنوان رابطه عامل و مدیر تعبیر می شود، و این فقط برای اقتصاد صدق نمی کند بلکه برای علوم سیاسی نیز کاربرد دارد. در سیستم دموکراتیک، دموکراسی نماینده یعنی اینکه سلطه عمومی از طریق اعطای نمایندگی از سوی شهروندان به نمایندگان منتخب اعمال می شود. مجریان و قانون گذاران به عنوان عوامل در یک زنجیره از نمایندگی دیده می شوند در حالی که شهروند مدیر نهایی است. این مسئولیت عامل است تا مدیر را در مورد رفتار و اقدامات جاری و برنامه ریزی شده آگاه سازد.

علی رغم این حقیقت که نظریه عاملیت یک چهارچوب نامناسب برای فعالیت ها یا خدماتی است که به راحتی اندازه گیری و مشاهده نمی شوند، اما این نظریه به صورت سودمند در شناخت مجموعه ای از پدیده های سازمانی استفاده شده است. این نظریه یک بنیان مفهومی را برای ارزیابی رابطه عمومی بین دولت (عامل) و عموم (مدیر) پیشنهاد می کند.

## 2.2 اصول نظریه عاملیت

براساس نظرات فن اسلایک (2006)، اصول اصلی نظریه عاملیت بر روی عدم تقارن اطلاعاتی (زمانی که یک طرف دارای اطلاعاتی است که طرف دیگر ندارد)؛ فرصت‌گرایی قرارداد (زمانی که یک طرف دانش بیشتری در مورد نگرش یک محصول یا خدمات در قیاس با طرف دیگر دارد و در نتیجه طرف ناآگاه ریسک خرید یک محصول و یا خدمات با کیفیت پایین را می‌پذیرد) و خطر اخلاقی یا فرصت‌گرایی پسا قرارداد (زمانی که یک طرف قرارداد از اطلاعات و تخصص استفاده می‌کند و به سود خودش عمل می‌کند تا اهداف توافق شده را عمل نکند) تمرکز دارند.

وقتی که رفتار عامل کنترل شده یا محدود شده نیست، اهداف مدیر حاصل نمی‌شوند؛ برای مقابله با تعارضات عاملیت که رابطه مدیر - عامل ممکن است ایجاد کند، تحقیقات نظری بر روی مکانیسم‌هایی تمرکز دارند که می‌تواند به مدیر کمک کند تا عامل خود را کنترل کند. بدین علت است که چرا CAT توجه بیشتر را از سوی محققان حسابداری به خود جلب کرده است.

### 2.3 نظریه مباشرت

درون مفهوم گسترده تر رهبری شرکت، نظریه مباشرت به عنوان یک هم‌آورد آشکار برای نظریه مدیر - عامل ایجاد شده است. نظریه مباشرت که از روانشناسی سازمانی و جامعه‌شناسی سازمانی ایجاد می‌شود به عنوان یک جایگزین برای استدلال نظریه مدیر - عامل عمل می‌کند.

نظریه مباشرت نمی‌تواند فقدان اعتماد درون آژانس‌های دولتی، مواضع ریسک ترس مدیران عمومی و فقدان مشوق برای ماموران دولتی را در نظر بگیرد؛ محیط شدیداً سیاسی و بررسی برای نظارت و حسابداری فشارهایی را برای عدم ایجاد اعتماد وارد می‌کند به دلیل ادراک خارجی از فساد. براساس نظرات سینکلر و همکاران (2009) سبک مباشرت رهبری تنها برای سازمان‌های کوچک مرتبط است؛ مدل مباشرت در برآورده کردن نیازهای برای همه ذینفعان درون سازمان‌های بزرگ ناتوان است. مطالعات نشان داده‌اند که نظریه مباشرت به طور ویژه در تحقیقات داوطلبانه این بخش و بخش عمومی تست نشده است و شوقی که با آن برخی طرفداران از این رویکرد پشتیبانی می‌کنند، ادعاهای آنها را چنان خوب نشان می‌دهد که باور آنها سخت می‌شود.



گریلینگ و اسپراول (2010) تاکید می کنند که نظریه مباشرت یک انتقاد نظری را مطرح می کند اما نمی تواند مدارک تجربی برای حسابدگی در بخش عمومی فراهم کند.

#### 2.4 نظریه حسابداری انتقادی (CAT)

نظریه حسابداری انتقادی به وضوح بر روی دلایل برای اکراه غیرعمدی به منظور فراهم کردن اطلاعات تمرکز می کند؛ برخلاف نظریه مدیر - عامل یا نظریه مباشرت، CAT بر روی عدم تمایل تاکتیکی یا استراتژیک حسابدار به منظور ارائه حساب کامل تمرکز ندارد بلکه به ناتوانی او برای انجام این کار توجه دارد.

در مقاله خود، حسابدگی و چالش های افشای اطلاعات، گریلینگ و اسپراول (2010) دو پدیده را ارزیابی می کنند که ممکن است مانع از تبادل اطلاعات مالی در فرآیند حسابدگی شوند، این ها عبارتند از اکراه برای افشای اطلاعات مربوطه و اضافه بار عمدی اطلاعات. این مقاله براساس این فرض است که اطلاعات بیش از حد یا بسیار کم می تواند یک چالش برای حسابدگی مالی بخش عمومی باشد. آنها باور دارند که تا کنون مسئله اکراه برای افشای اطلاعات در ادبیات حسابدگی تنها به عنوان یک موضوع ثانویه یا با استفاده از تنها چهارچوب نظری یعنی بیشتر نظریه مدیر - عامل مورد بررسی قرار گرفته است. برای غلبه بر مسئله اکراه برای افشای اطلاعات در ترتیبات حسابدگی بخش عمومی، گریلینگ و اسپراول (2010) بیان می کنند که نظریه های مدیر - عامل و مباشرت برای مورد خدمات عمومی، چیزی برای عرضه ندارند.

هدف انتقاد لاگلین از سیستم های حسابداری و حسابدگی (AAS) حرکت تحقیقات حسابداری و حسابدگی فراتر از دیدگاه منطقی کارکردگرای سنتی است. به جای فرض برتری اتوماتیک برخی رویکردها و راه حل ها هاپوود (2009) بیان می کند که حوزه هایی وجود دارند که در آنها تحلیل دقیق رویکردهای جایگزین نیازمند هدایت اقدام است. گزارش دهی انتقادی و اجتماعی به خلع مسئولیت حسابدگی سازمان و افزایش پایداری محیطی آن کمک می کند.

براساس نظرات لمن (2010) و هاپوود (2009) حسابداری جریان اصلی تمرکز ویژه بر انباشت ثروت مالکان را دائمی کرده است و هیچ حسابدگی به نارضایتی فزاینده اجتماعی طرفداران محیط زیست، زنان، اقلیت ها، مصرف کنندگان،

کارمندان و سایر نهادها پرداخته است. اگرچه این نگرانی ها به حسابدگی شرکت ارتباط دارند اما حسابداری جریان اصلی نتوانسته است افق های آنها را بسط دهد تا این نگرانی ها را در خود جای دهد، و خود را به مشغله محدود سرگرم کرده است. حسابداران انتقادی، مخالف منطق ابزاری حسابداری جریان اصلی است و از حسابداری جدید و قادرکننده طرفداری می کند. آنها به توسعه نظریه و تقویت روش هایی علاقه دارند که به قادر ساختن تبدیل حسابداری و بافت گسترده تر اجتماعی - سیاسی به سمت عدالت اجتماعی بیشتر کمک کند.

براساس نظرات تیلینگ و تیلت (2003)، نظریه حسابداری انتقادی دارای دو جنبه است، همراهی با نظریه انتقادی کلی و استفاده آن در حسابداری. اولی، بافتی سازی روش حسابداری درون یک دامنه گسترده از جامعه، تاریخ و سازمان ها در حالی که تایید می شود که حجم زیادی از آن در مورد جنبه های فنی و حسابداری است، اما استدلال بر این است که اطلاعات اندکی در مورد ریشه های اجتماعی حسابداری یا پیوند متقابل و رابطه بین اجتماعی و فنی وجود دارد.

دومین جنبه از نظریه حسابداری انتقادی درخواست برای اقدام، مشارکت در تبدیل واقعی سیستم است. این دیدگاهی است که حال رضایت بخش نیست، اینکه واقعیت می تواند بهتر از چیزی باشد که هم اکنون وجود دارد.

براون و دیلارد (2013) با روش تکنوکرات محدود که حرفه حسابداری هم اکنون بدان نزدیک می شود مخالفت می کند، هدف هنجاری حسابداری مخصوصا این فرضیه مسلم که باید تصمیم گیری و حسابدگی را در راستای دیکته های اقتصادهای نئوکلاسیک هدایت کند. آنها همچنین بیان می کنند که فقدان بُعد انتقادی در حسابداری جریان اصلی، منجر می شود به انکار، نادیده گرفتن یا تضعیف اثرات مضر روابط قدرت در محیط های سازمانی و اجتماعی مخصوصا در بافت نئولیبرال کنونی. نویسندگان به دنبال حسابداری های جدید انتقادی هستند که به خط مشی و روش ارتباط داشته و نظریه سیاسی دموکراتیک را در کمک به موارد زیر دارای نقش کلیدی در نظر می گیرند:

- شناخت حسابداری در بافت گسترده تر اجتماعی - سیاسی

- ارزیابی خط مشی کنونی حسابداری (از نظر اینکه چگونه به مسائل حسابداری، رهبری و مدیریت منابع نزدیک می شود)؛ و

- ارائه راه هایی برای کار به سمت حسابداری های توانمندکننده تر.

## 2.5 عقیده نظریه حسابداری انتقادی

اورگان (2007) دو شاخه اصلی از عقیده حسابداری انتقادی را شناسایی می کند. اولین گروه در جنبش به دنبال توجیه خود در کاهش گرایی عقیده های مدرنیست مانند مارکسیست، مائوئیسم، محیط گرایی یا جهان سوم گرایی هستند. دومین گروه متشکل است از افرادی که چنین روایت های بزرگی را رد می کنند و به دنبال ایجاد مرز برای انتقاد رادیکال خود درون حوزه فرهنگی هستند که توسط رویدادهایی تعریف می شود که موقتی هستند، نفس هایی که متکثر می باشند، ایده هایی که همواره در حال تغییر می باشند و همگی بدون قوانین اصلی جهانی یا دستورالعمل هستند. فریادهای رادیکال هر دو طرف جنبش از نظر مخالفت با بازار آزاد و ساختارهای اجتماعی سنتی شباهت دارند. نگارنده نتیجه می گیرد که علی رغم انتقاد حسابداران بر ضد حسابداری انتقادی، حسابداران انتقادی تحت فشار هستند برای اصلاح ارزشمند از نظر رفتار و نهادها.

لوین و اسمیت (2009) در مقاله خود به نام خط مشی حسابداری انتقادی انگیزه های شرکت ها برای افشای خط مشی حسابداری انتقادی (CAP) و میزانی که در آن افشاگری های CAP برای سرمایه گذاران اطلاعات فراهم می کند را بررسی کردند. آنها بیان کردند که بخش CAP از بحث مدیریت و تحلیل باید شامل افشای آن تخمین هایی باشد که نیازمند فرضیه در مورد مسائلی هستند که به شدت نامعین می باشند و برای آنها تخمین های مختلف اثر مادی بر ارائه شرط مالی دارند. آنها بر این اعتقاد هستند که افشاگری های CAP اطلاعات جدید برای سرمایه گذاران فراهم می کند و سرمایه گذاران در موضع بهتری برای ارزیابی کیفیت درآمدهای شرکت قرار می گیرند. افشاگری های CAP همچنین قرار گرفتن شرکت در معرض پیگردهای قانونی را کاهش می دهد. نگارندگان نشان می دهند که بخش CAP، که شامل انتخاب خط مشی های انتقادی درست و توصیف آنها می باشد، آگاهی بخش است و سرمایه گذاران اطلاعات را درون ارزشیابی ها قرار می دهند.

لوین و اسمیت (2009) یک CAP را به عنوان یک خط مشی تعریف می کنند که در آن هر دو مورد زیر درست هستند:

- تخمین حسابداری نیازمند فرضیه ها در مورد مسائلی است که به شدت در زمان تخمین حسابداری ناپایدار هستند و

- تخمین های مختلف که می توانند استفاده شوند یا تغییرات در آن تخمین ها که احتمالا از دوره ای به دوره دیگر رخ می دهند، اثر مادی بر نمود شرایط مالی یا نتایج عملیات ها دارد.

### نتیجه گیری

یک خط مشی حسابداری انتقادی، خط مشی است که برای تعریف شرایط مالی شرکت و نتایج مهم است نیازمند قضاوت های دشوار، عینی یا پیچیده است. شرایطی که این قضاوت ها را دشوار می کند، عینی یا پیچیده به نیاز برای تخمین در مورد اثر مسائل ارتباط دارد که ذاتا ناپایدار هستند. با افزایش متغیرها و فرضیه ها، این قضاوت ها عینی تر نیز می شوند. با افزایش زمان دوره که در طی آن ناپایداری ها حل می شوند، تخمین ها در تعداد بیشتری از دوره ها تغییر می کنند، به صورت بالقوه ناپایداری را نتایج چاپ شده اضافه می کند.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی